

گاهی کوتاه ببایید!

سارا شقاقی، روان‌شناس در این رابطه گفت: برای همه والدین پیش می‌آید که در مسیر و نظام تربیتی‌ای که در نظر دارند، با همسر و همراه خود دچار تفاوت عقیده بشوند. شاید برایتان جالب باشد بدانید که یکی از مهم‌ترین علل اختلاف میان همسران، همین مساله تربیت فرزند است. گفته می‌شود که ۲۵ درصد از بزهکاری‌های نوجوانان و بدرفتاری آنان، حاصل همین عدم تفاهم والدین در شیوه‌های تربیتی است. البته تنها عدم تفاهم نیست که به این بدرفتاری‌ها منتج می‌شود، بلکه شکل برخورد با تفاوت نظر است که فاجعه می‌آفریند. فراموش نکنید که تربیت درست در بستی درست رخ می‌دهد. خانواده گرم و روابط صمیمانه و خالی از تشنج آن بستی است که برای تربیت درست به آن احتیاج دارید. ضمن این‌که به هیچ‌روی نباید رابطه دوفره‌تان را قربانی بگویم‌گوهای تربیتی کنید. اگر شما بر سر تربیت کودک، یک جهنم کوچک پر از جر و بحث و قهر و دعوا درست کرده‌اید، بدانید که مسیر تربیت را دارید کامل برعکس طی می‌کنید. گاهی نیز برای تأمین محیطی امن برای کودک بهتر است که یک نفر کوتاه بیاید تا گذشت زمان مشکل را رفع کند.

سعی کنید این اختلاف را با گفت‌وگو و در فضایی آرام حل کنید و در مقابل فرزندان درباره تربیت او دعوا نکنید. اگر با مشکل روبه‌رو شدید می‌توانید از روان‌شناسان کودک استفاده کنید و از راهنمایی‌های کارشناسان کمک بگیرید.

یاد می‌دهد از دخترم برای انجام کارهای خانه استفاده کند. من هم عصبانی شدم چون دلم نمی‌خواهد این چیزها را به همسرم یاد بدهد. به همین دلیل بود که چنین جنجالی به پا شد. همسرم به فکر تربیت دخترمان نیست و نمی‌داند چرا به خاطر حساسیت من روی دخترمان جنجال به پا کرد. حالا که تربیت دخترمان برایش مهم نیست من هم موافق طلاق و جدایی هستم تا بتوانم دخترم را آن‌طور که دوست دارم تربیت کنم. او را طلاق می‌دهم فقط به شرط این‌که حضانت دخترمان با من باشد.

در پایان نیز پس از صحبت‌های این زوج، قاضی رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زن و شوهر خواست برای حل شدن مشکل‌شان با مشاور خانواده مشورت کنند.

طرح: imagebank

مشاجره زوج جوان بر سر تربیت فرزند به دادگاه خانواده ختم شد

طلاق تربیتی!

و لجبازی نبود، ولی ناگهان علیرضا دعوا راه‌انداخت و به مادرم توهین کرد. او سر مادرم داد زد و گفت حق ندارد در تربیت بچه دخالت کند. آن روز علیرضا رفتار بدی با مادرم کرد. به‌طوری‌که مادرم کلی گریه کرد و از خانه‌مان بیرون رفت. از وقتی علیرضا دل مادرم را شکسته است دیگر نمی‌توانم او را تحمل کنم. دیگر از رفتارهایش خسته شده‌ام. از زندگی با استرس خسته شده‌ام. از این‌که مرتب کسی به من بگوید چه کار کنم، ناراحت و عصبانیم. من خودم مادر هستم و سلامتی دخترم برایم از همه چیز بیشتر اهمیت دارد. ولی علیرضا جوری برخورد می‌کند که اگر نظارت نکنند، بلایی سر دخترمان می‌آورم. برای همین دیگر نمی‌توانم در کنار او زندگی کنم.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی، از روز اول هم به همسرم و خانواده‌اش گفتم که من روی دخترم حساس هستم. خودم تنها فرزند خانواده‌ام هستم، برای همین فرزند من خیلی برای خانواده‌ام مهم است. اما همسر و مادر زنم اصلا این موضوع را متوجه نیستند. هر بار می‌خواهم در مورد بچه حرفی بزنم، همسرم با من دعوا می‌کند. انگار که می‌خواهد لجبازی کند. مادرش هم به‌خاطر نگهداری از دخترمان، مرتب سعی دارد در تربیت بچه دخالت کند. خیلی وقت است دارم این رفتارها را تحمل می‌کنم. ولی آن روز صبرم سر آمد. برای همین عصبانی شدم و آن حرف‌ها را زدم. مادر زنم به همسرم

حساسیت بیش از حد مرد جوان به خاطر تربیت فرزندشان، آن‌قدر درسرساز شد که در نهایت پای زوج جوان را به دادگاه خانواده تهران باز کرد. آنها هفته گذشته به دادگاه

خانواده رفتند و درخواست طلاق خود را ارائه کردند. زن جوان وقتی در مقابل قاضی دادگاه قرار گرفت، درباره این درخواست به قاضی گفت: من و علیرضا یک سال است که صاحب فرزند دختر شده‌ایم. اما در این مدت علیرضا مرتب به‌خاطر تربیت و رفتارهایی که با دخترم دارم با من دعوا کرده است. او از همان روزهای اول به‌دنیا آمدن دخترمان، خیلی حساس بود که مبادا به فرزندمان از گل نازک‌تر بگویم. سعی می‌کردم او را تحمل کنم و حرفی نزنم. اما گاهی اوقات از کوره درمی‌رفتم. تا این‌که بعد از گذشت یک سال او به‌خاطر این موضوع به مادرم توهین کرد. آن هم مادر من که در این مدت همه کارهای بچه را انجام می‌داد و خیلی وقت‌ها خودش از دخترمان نگهداری می‌کرد. چند روز پیش وقتی صحبت از تنبلی فرزندان شد، مادرم داشت مرا نصیحت می‌کرد که دخترم را تنبل بار نیاورم و از یک سنی به بعد او را مسؤول انجام کارهای خانه کنم تا مسؤولیت پذیر شود. اما علیرضا مخالفت کرد و گفت دخترمان در سن بالا هم نباید کار خانه انجام دهد. مادرم هم حرف‌های خودش را زد. قضیه دعوا

سیما فراهانی

تپش